دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث
دوره ۷، شماره ۱٤، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

بررسی راهبرد «کاهش» در ترجمه فولادوند از صحیفه سجادیه بر اساس نظریه گارسس

مریم بخشی[1*]

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، ایران

دریافت: ۱۳۹۹/۸/۷ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۱

چکیده

توجه به کیفیت ترجمه در متون دینی از جمله قرآن و حدیث، موضوعی مهم وآشکار است و ارزیابی ترجمه این متون، جهت صیانت از آن‌ها، ضرورت و اهمیت و ارزش دوچندان دارد؛ از جمله این متون، ترجمه صحیفه سجادیه است که کمتر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است، یکی از این ترجمه‌های ارزشمند که توسط فولادند انجام گرفته، دارای عیوب کاهشی است. کاهش که جزء تکنیک‌های منفی ترجمه است، در الگوی گارسس مورد توجه بیشتری واقع شده است؛ این الگو، جهت ارزیابی ترجمه در چهار سطح مطرح شده است که از منظر دیگر، به سه گروه عمده افزایش، کاهش و مانش تقسیم می‌شود. کاهش، شامل حذف، کاهش (قبض)، تغییر در صنایع بلاغی، ساده انگاری و خطای مترجم می‌شود؛ مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی، موارد کاهش و بسامد آن در ترجمه فولادوند را مورد بررسی قرار داده تا از صحت و درستی و انطباق آن با اصول علمی، اطمینان یافته وآن را مورد ارزیابی علمی قرار دهد؛ اساس این ارزیابی، پاسخ به این سؤال است که با توجه به الگوی کاهشی گارسس، کاهش‌های ترجمه‌ای، به چه شکلی در ترجمه فولادوند نمود یافته است؟ نتایج بررسی نشان می‌دهد، مصادیق کاهش که به این ترجمه آسیب زده‌اند، عبارتند از: ۱- انواع حذف (حذف واژه، حذف چندین عبارت یا جمله و حذف بی‌رویه جملات)، ۲- قبض یا کاهش (حذف به قرینه لفظی، تغییر مجهول به معلوم، اسمی شدگی، تبدیل جمع به مفرد)، ۳- تغییر در صنایع بلاغی ۴- خطای مترجم (خطاهای معنایی- لغوی و خطاهای صرفی- نحوی) و بیشترین بسامد کاهش مربوط به حذف واژه و خطای دستوری است.

واژگان کلیدی: ترجمه صحیفه سجادیه، فولادوند، نظریه گارسس، کاهش، حذف

*نویسنده مسئول مقاله: Email: m.bakhshi8@gmail.com

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

۱- طرح مسأله

در طول تاریخ، ترجمه متون دینی از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار بوده و همه عالمان دینی و صاحب‌نظران ترجمه در مورد حساسیت این نوع از متون تأکید فراوان داشته و از ایجاد تحریف در این متون برحذر داشته‌اند.

دغدغه حراست از اصالت متون مقدس، صاحب‌نظران ترجمه را بر آن داشت که ترجمه متون مقدس را همچون دیگر متون نپندارند و بر آن چهارچوب ویژه در نظر گیرند. از سوی دیگر این اهمیّت موجب شد که هیچ ترجمه متن مقدسی پایان کار تلقّی نگردد و با تداوم ترجمه متون مقدس فاصله زبان مقدس با زبان مقصد کم‌تر گردد، گرچه هیچ‌گاه این فاصله به صفر نخواهد رسید (سلطانی، ۱۳۷۷: ۵).

در بین مسلمانان و به ویژه شیعیان، کلام معصوم در رتبه‌ای پایین‌تر نسبت به قرآن جزء متون مقدس به شمار می‌آید. البته عالمان دینی همواره به آن کلمات با دیده احترام و قداست می‌نگریسته‌اند. این احترام نسبت به دعاها و به ویژه دعاهای منقول از امام سجّاد (ع) بیش‌تر بود. ترجمه‌های احتیاط آمیز از صحیفه سجادیّه نیز گواهی بر این مدّعا است (سلطانی، ۱۳۷۷: ۵).

کتاب ارزشمند صحیفه سجادیه، از جمله متون دینی است که بررسی ترجمه آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. مترجمان مختلفی با رویکردهای مختلفی این کتاب را ترجمه نموده‌اند. از جمله این مترجمان مشهور و پرآوازه محمدمهدی فولادوند است. علیرغم مهارت و توانمندی و سابقه طولانی این مترجم در قرآن و نهج البلاغه و صحیفه سجادیه، برخی عیوب اساسی در ترجمه ایشان دیده می‌شود و آن عبارت است از حذف و خطا در ترجمه؛ که ما این عیوب را تحت عنوان «کاهش» در ترجمه صحیفه سجادیه بررسی کرده‌ایم؛ کاهش در اکثر نظریه‌های ترجمه دیده می‌شود، اما در نظریه کارمن والرو گارسس[1] (۱۹۹٤) به صورت کامل‌تر، منسجم‌تر و با زیر مجموعه وسیع بدان پرداخته شده است.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

بدین ترتیب، تکنیک‌هایی که کاهش را در بـر مـی‌گیرنـد، عبارتنـد از: کـاهش، حـذف، حذف بن‌مایه متعهدانه، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای، حذف قسمتی از مـتن یـا پـاراگراف، اشتباه یا ساده‌انگاری مترجم (مختاری اردکانی، ١٣٨٦: ٣٩).

در ترجمه مورد بررسی (دعاهای ٣، ٢٠، ٢٧، ٣١ و ٤٩) که به صورت تصـادفی انتخـاب شده‌اند، حذف‌ها و خطاهای عمده‌ای دیده می‌شود که منجر به تحریف متن اصـلی از سـوی مترجم گردیده، که ناشی از بی دقتی مترجم بوده اسـت؛ از ایـن رو در پـژوهش حاضـر، بـا استفاده از روش توصیفی- تحلیلی، مولفه‌های کاهش را که جزء ویژگی‌هـای منفـی ترجمـه هستند، براساس نظریه گارسس در ترجمه فولادوند از صحیفه سجادیه بررسی کرده‌ایم. ایـن ارزیابی در جهت اطمینان از صحت و درستی و انطباق این ترجمه با اصـول علمـی ترجمـه صورت گرفته و در اثنای آن به معرفی جنبه‌های منفی این ترجمه پرداخته شده است. از ایـن رو در بررسی حاضر، پرسش‌های زیر مطرح است:

١- ترجمه فولادوند از صحیفه سـجادیه براسـاس نظریـه گارسـس، دارای چـه عیـوب کاهشی است؟

٢- بیش‌ترین مؤلفه کاهش، که به این ترجمه آسیب زده، کدام است؟

لازم به ذکر است، در بررسـی پیشـینه پـژوهش، در رابطـه بـا بررسـی ترجمـه صـحیفه سجادیه براساس نظریه گارسس، هیچ اثر پژوهشی صورت نگرفته است.

٢- مبانی نظری

کتفورد[٢] ترجمه را اینگونه تعریف می‌کند: «جـایگزینی عناصـر متنـی زبـان مبـدأ بـه وسـیلهٔ عناصر متنی زبان مقصد» (لطفی پورساعدی، ١٣٨٩: ٣). زمانی که در ایـن فرآینـد، عناصـری از متن مبدأ در مسیر انتقال به متن مقصد، حذف شود، عمل ترجمه مختل شده و نمـی‌تـوان از نظر علمی، آن ترجمه را ترجمه مقبول دانست؛ چرا که در این فرآیند، بخشی از مـتن از بـین می‌رود و چه بسا خواننده‌ای که به متن ترجمه اعتماد کرده و دیگـر بـه مـتن اصـلی رجـوع نمی‌کند. از طرف دیگر حذف موجب ابهام در متن و سردرگمی مخاطب می‌شود.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

مترجم در قبال هر کلمه‌ای که از متن اصلی حذف می‌کند، باید پاسخگو باشد (مختاری اردکانی، ١٣٨٦: ٢٤). عدم حذف و رعایت امانت از اصول اساسی ترجمه است. «معمولاً حذف برخی قسمت‌های جمله زمانی موجّه شمرده می‌شود که مترجم آن موارد را برای خواننده خود واضح یا تکراری و خسته‌کننده تشخیص دهد» (زرکوب، ۱۳۹۲: ٤٥). نظریه‌ای که موضوع حذف و خطا را از جوانب مختلف و با دیدی وسیع مورد تأمل قرار داده، نظریه والرو کارمن گارسس است.

۲-۱- نظریه گارسس

ارزیابی ترجمه به منظور اطمینان از درستی و مطابقت آن با اصول و فنون مختلف ترجمه ضروری است. «ارزشیابی ترجمه و مترجم، زمینه‌ای مناسب فراهم می‌آورد تا رقابت مثبت در راستای بهبود کیفیت ترجمه بیشتر شود؛ در ترجمه‌ها روند صعودی به وجود آید و در نهایت ترجمه‌هایی با کیفیت عالی داشته باشیم» (رشیدی و فرزانه، ۱۳۹۲: ۵۹). برای مصون ماندن از آسیب‌ها، نیاز به قوانینی احساس می‌شود که معیار و ملاک‌هایی را برای ناقدان و ارزیاب‌ها ارائه دهد که این دو گروه به صورت مستدل و با مبانی قابل اعتماد که مورد تایید صاحب‌نظران ترجمه نیز باشد اقدام به نقد و ارزیابی نمایند (صیادانی، ١٣٩٦: ٨٨).

گارسس (١٩٩٤) مدلی ترکیبی در ارزیابی ترجمه ارائه نموده است که مرکب از مدل پیشنهادی وینه و داربلنه[۳] (۱۹۵۸) آرا و عقاید دیگر صاحب‌نظران در امر ترجمه مانند نایدا[٤]، نیومارک[٥] ، دلیسل[٦] و... است. در الگوی گارسس، ترجمه‌ها بر پایه ویژگی‌های مثبت و منفی بیانگر کیفیت (و گروه‌های آن‌ها) و در نهایت دو معیار کفایت و مقبولیت بررسی و رده‌بندی می‌شود (همان، ۱۳۹۲: ٤٤).

گارسس برای ارزیابی شباهت‌های متن مبدأ و متن مقصد، چهار سطح پیشنهاد می‌کند.

این چهار سطح عبارتند از:

سطح معنایی ـ لغوی[۷]

سطح نحوی ـ واژه ساختی[۸]

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

سطح گفتمانی ـ کارکردی[۹]

سطح سبکی ـ عملی[۱۰]

«همه این تکنیک‌ها را می‌توان از دیدگاه دیگر به سه گروه عمده که هر نوع ترجمه‌ای را دربر می‌گیرد، تقسیم کرد:

- افزایش[۱۱]
- مانش(حفظ)[۱۲]
- کاهش[۱۳]

در حیطه افزایش، تکنیک‌هایی که به بسط اطلاعات داده شده در متن مبدأ می‌پردازند، عبارتند از: تعریف، بسط[۱٤]، دستور گردانی[۱۵]، دگر بینی[۱٦]، توضیح، تغییرات ناشی از اختلافات اجتماعی- فرهنگی، تغییر در ساخت درونی متن مبدأ، بسط خلاقه و تفصیل[۱۷].

تکنیک‌هایی که در حوزه مانش (حفظ) اطلاعات می‌گنجند، عبارتند از: معادل فرهنگی[۱۸]، اقتباس[۱۹]، ابهام[۲۰]، ترجمه قرضی[۲۱]، ترجمه تحت اللفظی[۲۲]، جبران[۲۳]، تغییر نوع جمله، نارسایی در معادل، تغییر لحن، حفظ اسامی خاص و ساختارهای خاص متن مبدأ.

تکنیک‌هایی که کاهش را در برمی‌گیرند، عبارتند از: کاهش[۲٤]، حذف[۲۵]، حذف بن‌مایه متعهدانه[۲٦]، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای[۲۷]، حذف قسمتی از متن یا پاراگراف، اشتباه[۲۸] یا ساده‌انگاری مترجم (مختاری اردکانی، ۱۳۸٦: ۳۹).

۳- کاهش و کاربست آن در ترجمه صحیفه سجادیه

«در این روش، عناصری که در متن اصلی تصریح شده‌اند، در ترجمه به تلویح بیان می‌شوند یا تقلیل می‌یابند یا به طور کلی حذف می‌شوند» (فرهادی،۱۳۹۲ :۱٦٦). همچنانکه پیش‌تر گفتیم کاهش، شامل: کاهش (قبض)، حذف، حذف بن‌مایه متعهدانه، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای، حذف قسمتی از متن یا پاراگراف، تغییر در صنایع بلاغی، ساده انگاری و خطای مترجم می‌شود؛ در ادامه به معرفی مؤلفه‌های کاهش و مطابقت آن با ترجمه فولادوند از صحیفه سجادیه می‌پردازیم.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

۳-۱- حذف

حذف، فرآیندی منفی از ترجمه است که هیچ کدام از صاحب‌نظـران ترجمـه، آن را تجـویز نمی‌کنند وآن را از عوامل اصلی عدم امانـت‌داری در ترجمـه مـی‌داننـد؛ حـذف در ترجمـه یادشده، به شکل‌های زیر قابل ملاحظه است:

۳-۱-۱- حذف یک واژه

إِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِيفَةُ السَّحَابِ الْتمَعَتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ (دعای ۳).

چون ابرها روان شـوند از دل ایشـان آذرخـش‌هـا جهیـدن گیـرد. (فولادونـد، ۱۳۷۹: ٤٥) (حذف ترجمه «حفیفة»: انبوه و «البروق»: برق‌ها)

إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ، وَ الرَّحِيمُ لِلْخَاطِئِينَ الْمُنِيبِينَ (دعای ۳۱).

زیرا که تویی که توبه گناهکاران را می‌پذیری و بر خطاکاران مهربـانی! (فولادونـد، ۱۳۷۹: ۳۲۰) (حذف ترجمه «المنیبین»: توبه کنندگان)

وَ اسْتُرْنِي بِسِتْرِ عَافِيَتِكَ تَفَضُّلًا (دعای۳۱).

در پرده‌ی عافیت خویش در پوشـان (فولادونـد، ۱۳۷۹: ۳۱۸). (حـذف «تفضّـلا»: از روی فضل و بخشش)

دَاوِنِي بِصُنْعِكَ، وَ أَظِلَّنِي فِي ذَرَاكَ (دعای۲۰).

دردم را درمان کن و مرا در کنف امن جای ده (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸٤). (حذف «صُـنعِک»: با احسان خود (المعجم الوسیط، ۲۰۱۱: ٥٤٥))

أَلِّفْ جَمْعَهُمْ، وَ دَبِّرْ أَمْرَهُم، وَ وَاتِرْ بَيْنَ مِيَرِهِمْ (دعای ۲۷).

جمعیت ایشان را متحد فرما و کارشان را سامان بخش و سیورسات و هزینه‌های آنـان را فراهم ساز (فولادوند، ۱۳۷۹: ۲٥٦).

در نمونه حاضر، مفهوم فعل «واتر»، که به «معنای پی در پی رساندن» اسـت، مـورد بـی-توجهی واقع شده و ترجمه نشده است و ترجمه جمله به این صورت است: و آذوقه‌هاشـان را پی‌درپی برسان.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرْدِفِينَ (دعای۲۷).

آن‌ها را به وسیله صفوف فرشتگانی که در نزد تواند، یاری فرمای (حذف «مـردفین»: پـی در پی آینده).

بَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ، وَاجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ، وَانْتَـهِ بِنِيَّتِـي إِلَـى أَحْسَـنِ النِّيَّـاتِ، وَبِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ (دعای ۲۰).

ایمان مرا با کامل‌ترین مراتب آن و یقـین مـرا بـه برتـرین درجـات یقـین، و نیـتم را بـه نیکوترین نیت‌ها و عملم را به بهترین اعمال رفعت بخـش! (فولادونـد، ۱۳۷۹: ۱۸۲) (حـذف بلِّغ: برسان و واجعل: قرار ده)

مترجم سه فعل را به صورت یک فعل ترجمه کرده در حالی که بهتر بود فعل هـر کـدام از جملات را همراه با متعلقات آن ترجمه می‌کرد.

۳-۱-۲- حذف چند واژه

الْمُطَاعُ فِي أَهْلِ سَمَاوَاتِكَ، الْمَكِينُ لَدَيْكَ، الْمُقَرَّبُ عِنْدَكَ (دعای۳).

و آنگاه فرشته امین وحی جبرئیل است کـه در میـان اهـل آسـمانها مـورد اطاعـت و در پیشـگاه تـو مقـرب اسـت (فولادونـد، ۱۳۷۹: ٤٥). (ترجمـه عبـارت محـذوف: ارجمنـد در پیشگاهت)

إِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَسَتْرِ الْعَائِبَةِ، وَلِينِ الْعَرِيكَـةِ، وَخَفْـضِ الْجَنَـاحِ، وَحُسْـنِ السِّـيرَةِ، وَسُـكُونِ الرِّيحِ، وَ طِيبِ الْمخَالَقَةِ، وَالسَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ (دعای۲۰).

فاش کردن نیکی و پوشش عیب‌ها و نـرم رفتـاری و فروتنـی و خـوش‌رفتـاری و نیـک روشی و پیش‌دستی در فضیلت (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۳).

«سکون الریح وطیـب المخالقـة» در ترجمـه ایـن جمـلات نادیـده گرفتـه شـده اسـت. انصاریان، این عبارت را به صورت «سنگینی، و خوش‌خلقی (با مردم)» ترجمه کرده است

أَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ (دعای۲۷).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

همانا تویی آن خدایی که جز تو خدایی نیست و تو را شریکی نمی‌باشد (فولادوند، ۱۳۷۹: ۲٥٦).

«وحدَک» به معنای «یگانه‌ای» است و مترجم در افاده معنای آن به جمله قبلی بسنده کرده و مفهوم دقیق آن را در ترجمه حذف کرده است.

أَبْدِلْنِي مِنْ بِغْضَةِ أَهْلِ الشَّنَآنِ الْمحَبَّةَ، وَ مِنْ رَدِّ الْمُلَابِسِينَ كَرَمَ الْعِشْرَةِ، وَ مِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةَ الْأَمَنَةِ الْأَمَنَةِ (عای۲۰).

کینه‌توزی کینه‌توزان را درباره من، به مهر، و تلخی بیم از ستمکاران را به شیرینی ایمنی از تجاوز آنان مبدل فرمای (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸٤). (ترجمه عبارت محذوف: اهانت را به برخورد نیک مبدّل کن)

الَّذِينَ عَرَّفْتَهُمْ مَثَاقِيلَ الْمِيَاهِ، وَ كَيْلَ مَا تَحْوِيهِ لَوَاعِجُ الْأَمْطَارِ وَ عَوَالِجُهَا (دعای۳).

آن فرشتگانی که میزان و اندازه باران‌ها را به ایشان آموخته‌ای (فولادوند، ۱۳۷۹: ٤٦).

ترجمه عبارت محذوف: «پیمانه باران‌های سخت و رگبارها» (فیض الاسلام، ۱۳۷٦: ٥٥).

۳-۱-۳- حذف جمله

وَ حَقِّقْ فِي رَجَاءِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي، وَ سَهِّلْ إِلَى بُلُوغِ رِضَاكَ سُبُلِي، وَ حَسِّنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي عَمَلِي (دعای۲۰).

آرزویم را با امید به رحمت خود مقرون فرمای و در هر حال که هستم کارم را نیکو ساز (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۳).

(ترجمه عبارت محذوف: راه‌های مرا برای رسیدن به رضایتت هموارکن.)

أَلِّفْ جَمْعَهُمْ، وَ دَبِّرْ أَمْرَهُم، وَ وَاتِرْ بَيْنَ مِيَرِهِمْ، وَ تَوَحَّدْ بِكِفَايَةِ مُؤَنِهِمْ وَ اعْضُدْهُمْ بِالنَّصْرِ (دعای ۲۷).

جمعیت ایشان را متحد فرما و کارشان را سامان بخش و سیورسات و هزینه‌های آنان را فراهم ساز و ایشان را در پیروزی یاری ده (فولادوند، ۱۳۷۹: ۲٥٦).

(ترجمه جمله محذوف: سختی‌هایشان را به تنهایی، کفایت کن).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

أَلْهِمْهُ الْجُرْأَةَ، وَ ارْزُقْهُ الشِّدَّةَ، وَ أَيِّدْهُ بِالنُّصْرَةِ (دعای۲۷).

دلیری به او الهام کن و با پیروزی تاییدش فرما (فولادوند، ۱۳۷۹: ۲۵۷).

(ترجمه جمله محذوف: قدرت وتوانمندی نصیبش کن)

و حَثَثْتَ عَلَى الدُّعَاءِ، وَ وَعَدْتَ الْإِجَابَةَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اقْبَلْ تَوْبَتِي (دعای ۳۱).

و بر دعا ترغیب کردی پس با درود بر محمد و خانـدان وی، توبـه‌ام در پـذیر(فولادونـد، ۱۳۷۹: ۳۲۰). (ترجمه جمله محذوف: به اجابت وعده داده‌ای)

الرُّوحُ الَّذِي هُوَ عَلَى مَلَائِكَةِ الْحُجُبِ. وَ الرُّوحُ الَّذِي هُوَ مِنْ أَمْرِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ (دعای۳).

آنگاه درود باد بر فرشته‌ی «روح» که از عالم امر توسـت (فولادونـد، ۱۳۷۹: ٤٥). (ترجمـه جمله محذوف: فرشته روح که موکل بر فرشتگان حجاب‌ها است).

۳-۱-۴- حذف بی‌رویه چندین جمله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا هَدَيْتَنَا بِـهِ، وَ صَـلِّ عَلَـى مُحَمَّـدٍ وَ آلِـهِ، كَمَـا اسْـتَنْقَذْتَنَا بِـهِ (دعای۳۱).

بار خدایا! درود بـر محمـد و خانـدان وی، همانگونـه کـه مـا را بـه وسـیله وی رهـایی بخشیدی (فولادوند، ۱۳۷۹: ۳۲۰) (ترجمه جملات محـذوف: بـار خـدایا بـر محمـد و آل او درود فرست، همان طور که ما را به سبب او هدایت نمودی).

أَبَثَّكَ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعاً، وَ عَدَّدَ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا أَنْتَ أَحْصَـى لَهَـا خُشُـوعاً (دعای۳۱).

از سر فروتنی راز درونی خود را که تو نیک‌تر از خود وی بدان آگاهی داری بـر شـمرده (فولادوند، ۱۳۷۹: ۳۱۸) (ترجمه جملات محذوف: و با فروتنی گناهانش را که تو حسـاب آن را بهتر می‌دانی، شمرده است).

وَ مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةِ فُحْشٍ... ومَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نُطْقاً بِالْحَمْـدِ لَـكَ، وَ إِغْرَاقـاً فِـي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ، وَ ذَهَاباً فِي تَمْجِيدِكَ، وَ شُكْراً لِنِعْمَتِـكَ، وَ اعْتِرَافـاً بِإِحْسَـانِكَ، و إِحْصَـاءً لِمِنَنِـكَ (دعای ۲۰).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

و هر ناسزا و... و مانند آن را که شیطان بر زبانم جاری می‌سازد، تو بـه رحمـت خـویش آن را به یاد کرد شکوه و اندیشه در توانایی و تدبیر علیـه دشـمنت مبـدل فرمـای (فولادونـد، ۱۳۷۹: ۱۸۲).

مترجم در ترجمه این قسمت از دعا، از جمله «بالحمد لک تا إحصاء مننک» را که شـامل شش جمله است، در ترجمه حذف کرده و به جای ترجمه این جمله، ترجمه خط اول دعـا را در اینجا تکرار کرده است..

ترجمه کامل جملات حذف شده این چنین است: (به گفـتن سـپاس تـو، و فراوانـی در ستایش تو، و کوشش در بزرگ دانستن تو و شکر نعمتت، و اقـرار بـه احسـانت و شـمردن نعمت‌هایت مبدل ساز).

۳-۲- قبض یا کاهش

«در مقابل بسط و گسترش معنایی، قبض قرار دارد که به کار بردن یک واژه در زبـان مقصـد به جای چند واژه متن مبدأ است و شامل حذف فعل‌ها به قرینـه لفظـی، تبـدیل مجهـول بـه معلوم، اسمی‌شدگی، ترجمه جمع به صورت مفرد که از آن به ترانهش یاد می‌کنند. تـرانهش تعویض صورت، شامل حرکت از یـک طبقـه دسـتوری بـه طبقـه دسـتوری دیگـر اسـت» (آذرشب و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۳۷).

۳-۲-۱- حذف به قرینه لفظی

یکی از راهبردهایی که برخی از مترجمان به آن دست می‌زنند، حذف فعل بـه قرینـه لفظـی است که سبب قبض واژگانی می‌شود.

برخی از مترجمان به دلایلی چون ناتوانی در فهم معنای جمله یـا بخشـی از آن، کاسـتن از فشار کار ترجمه، ضروری تشخیص ندادن آن، خطای دید برخی از ارکـان، قسـمت‌هـایی از متن را حذف می‌کنند که به دور از امانت داری است (نصیری،۱۳۹۰ :۱۲۲).

أَوْ أَخَّرَهُ عَنْهُ حَادِثٌ، أَوْ عَرَضَ لَهُ دُونَ إِرَادَتِهِ مَانِعٌ (دعای ۲۷).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

یا پیشامد و رخداده‌ای، بیرون از خواست وی، مانع راه وی شود (فولادوند، ۱۳۷۹: ۲۵۷).

در ترجمه این جملات، مترجم دست به کاهش زده؛ یعنی در این فرآیند، حذف به معنای دقیقش وجود ندارد؛ بلکه مترجم، از میزان واژه‌های متن مبدأ کاسته و در برابر آن معنای اندک آورده است و چکیده دو جمله را در یک جمله بیان کرده و بدین ترتیب هم لفظ و هم معنا، کم‌تر از متن اصلی منتقل شده وهر دو در زبان مقصد کاهش یافته است. ترجمه دقیق و کامل به این قرار است: (یا پیشامدی او را از قصدش به تأخیر اندازد، یا مانعی در برابر اراده‌اش پیش آید).

وَ شَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ وَ نَكِّلْ بِهِمْ مَنْ وَرَاءَهُمْ (دعای ۲۷).

و با پراکنده ساختن پیش تازان آن‌ها از پی آیندگان ایشان را مرعوب ساز و در هم شکن (فولادوند، ۱۳۷۹: ۲۵۷).

در این فراز از دعا، ترجمه دو جمله به یک جمله در زبان مقصد، کاهش یافته است. لازم به ذکر است که مفهوم مرعوب ساختن، در این فراز از دعا وجود ندارد و مترجم از جانب خود آن را افزوده و عبارت «من خلفهم» هم ترجمه نشده است. نکته دیگر اینکه «شرِّد» فعل امر است در حالی که مترجم با تبدیل آن به مصدر، در مفهوم دقیق آن، اخلال ایجاد کرده است و ترجمه دقیق آن این چنین است: «و با (سختی و گرفتاری) ایشان، پشت سری‌هاشان را پراکنده گردان، و ایشان را برای آن‌ها که در پس ایشانند عبرت قرار ده» (فیض الاسلام، ۱۳۷٦: ۱۸۲).

صَلَاةً عَالِيَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ، مُشْرِفَةً فَوْقَ التَّحِيَّاتِ، صَلَاةً لَا يَنْتَهِي أَمَدُهَا (دعای۲۷).

درودی والاتر از هر درود و همه تحیات، درودی که آن را پایانی نباشد (فولادوند، ۱۳۷۹: ۲۵۸).

مترجم مفهوم «مشرفة» را با «عالية» یکسان در نظر گرفته و به صورت کاهشی (کاهش لفظ و معنا) ترجمه کرده است.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

۳-۲-۲- تغییر مجهول به معلوم

وَ لَا أُظْلَمَنَّ (دعای ۲۰).

بار خدایا! آن کن که کس بر من ستم روا ندارد (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۵).

فعل مجهول «أُظلَمنَّ» به صیغه معلوم، ترجمه شده است.

و أُبْتَلَي بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِي (دعای۲۰).

و بدگویی از آن کس که آن را از من منع داشته دچار آیم (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۵).

فعل «أُبتَلی»، به صورت مجهول به کار رفته است، اما مترجم، آن را به صورت معلوم و لازم ترجمه شده است.

۳-۲-۳- اسمی شدگی

اسمی‌شدگی به معنای تبدیل فعل به مصدر یا اسم است.

یک گروه اسمی که با یک گزاره حاوی هسته اسمی، تطابق نظام‌مندی دارد و از نظر ساختواژی به یک فعل مربوط است و به عبارت دیگر جایگزین شدن گروه فعلی با گروه اسمی را اسمی‌شدگی می‌نامند. این راهکار بانی یکی از جنبه‌های قبض یا کاهش واژگانی متن مبدأ است (رحیمی خویگانی، ۱۳۹٦: ۸۹).

به این علت که «برخلاف فعل، اسم دو مشخصه فاعل و زمان را ندارد و در تبدیل فعل به اسم قبض معنایی صورت می‌گیرد» (آذرشب و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۳۸).

لَمْ تُسْأَلْ فَابْتَدَأْتَ (دعای٤۹).

بی‌درخواست بخشش آغاز کردی (فولادوند، ۱۳۷۹: ٥۲٤). (تبدیل فعل «لم تُسأل» به اسم: بی‌درخواست)

الَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَى أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ (دعای۳).

درود بر آن فرشتگانی که چون جهنم را با لهیب آن بر گناهکاران مشاهده کنند (فولادوند، ۱۳۷۹: ٤٦). (تبدیل فعل «تَزفِرُ» به اسم: لهیب)

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

أَسْتَوْهِبُكَ سُوءَ فِعْلِي (دعای۳۱).

از بدکرداریم خواهان بخششم (فولادوند، ۱۳۷۹: ۳۱۷). (تبدیل فعل «استوهبک» به اسم: خواهان بخشش)

۳-۲-۴- ترجمه جمع به صورت مفرد

وَ لَا أَحْتَمِلَ إِصْرَ تَبِعَاتِ الْمَكْسَبِ (دعای۲۰).

و بار سنگین کسب روزی را بر دوش کشم!(فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸٤)

تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطَوَاتِكَ وَ بِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِكَ (دعای٤۹).

در همه آن‌ها با سطوت و قهر و فرود آمدن کیفرهای تو رخ به رخ شده‌ام (فولادوند، ۱۳۷۹: ۵۲۷).

دَافَ لِي قَوَاتِلَ سُمُومِهِ (دعای٤۹).

زهر کشنده در آب من آمیخته کرد (فولادوند، ۱۳۷۹: ۵۲۷).

وَ فِي جَمِيعِهِ انْهِمَاكاً مِنِّي عَلَى مَعَاصِيكَ (دعای٤۹).

و حال آنکه من همچنان در نافرمانی تو مستغرق بودم (فولادوند، ۱۳۷۹: ۵۲۸).

۳-۳- تغییر در صنایع بلاغی[۲۹]

تغییر در صنایع بلاغی زمانی رخ می‌دهد که در متن مبدأ صنایعی از جمله استعاره و تشبیه وجود داشته باشد؛ گاهی مترجم به جای ترجمه دقیق، آن را از متن مقصد حذف می‌کند ویا دست به تغییر آن می‌زند.

قَادَتْهُ أَزِمَّةُ الْخَطَايَا (۳۱).

زمام اختیارم در پنجه خطایا افتاد (فولادوند، ۱۳۷۹: ۳۱٦).

«أزمة الخطایا»: مترجم هنگام ترجمه در استعاره مکنیه موجود در دعا، تغییراتی داده و زمام را به اختیار نسبت داده است و ضمیر متصل «م» را از جانب خود به جمله افزوده

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

است؛ در حالی که مؤلف زمام را به «خطایا» نسبت داده و اضافه کرده است. ترجمه دقیق دعا، بدین شکل است: زمام خطاها او را راهبری می‌کند.

تَقَشَّعَتْ عَنْهُ سَحَائِبُ الْعَمَى (دعای۳۱).

آن ابرهایی که بر روی بینش وی سایه افکنده، به یک سو رود (فولادوند، ۱۳۷۹: ۳۱٦).

«سحائب العمی» (ابرهای نابینایی)، ترکیبی است که از آن اضافه تشبیهی ساخته شده است. و مترجم در حین ترجمه این صنعت بلاغی، دست به تغییر زده وعمل ساده‌سازی انجام داده وبدبن ترتیب در انتقال زیبایی آن، کوتاهی کرده است. لازم به ذکر است که کتاب صحیفه‌ی سجادیه علاوه بر اینکه یک کتاب دعایی است، یک متن ادبی زیبا هم به شمار می‌رود؛ از این رو در انتقال صنایع بلاغی آن نباید کوتاهی کرد.

إِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِيفَةُ السَّحَابِ (دعای۳).

و چون ابرها روان شوند (فولادوند، ۱۳۷۹: ٤٥).

در این قسمت از دعا، استعاره زیبایی به کار رفته وآن عاریت گرفتن شنا کردن برای ابرها است؛ روان شدن و به حرکت درآمدن ابرها، به شنا کردن تشبیه شده و متاسفانه مترجم این صنعت بلاغی زیبا را در ترجمه منتقل نکرده است. ترجمه این استعاره زیبا را در ترجمه فیض الاسلام به زیبایی می‌بینیم: «و چون ابر خروشان به صدای زجر او به شنا درآید (رفت و آمد نماید)» (فیض الاسلام، ۱۳۷٦: ٥٤).

وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَى أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ (دعای ۳).

درود بر آن فرشتگانی که چون جهنم را با لهیب آن بر گناهکاران مشاهده کنند، گویند: «پاکا که تویی خداوندا، ما تو را آنگونه که سزاوار عبادت تو بود نپرستیدیم»! (فولادوند، ۱۳۷۹: ٥٤)

«تزفرُ» به معنای بیرون دادن نفس، پس از نفس کشیدن عمیق است و «زفرت النار» به معنای «به گوش رسیدن صدای آتش است»؛ (زبیدی، ۱۹۷۲، ج ۱۱: ٤۳۲-٤۳۱؛ فراهیدی،

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

۲۰۰۳، ج ۲: ۱۸٦) که با توجه به مفعول (با واسطه) آن، یعنی «علی أهل معصیتک»، بیشتر معنای اول مد نظر است و در این حالت، استعاره مکنیه‌ای وجود دارد که در آن، جهنم به انسانی تشبیه شده که از روی تأسف آه می‌کشد و نفسش را بیرون می‌دهد. سپس مشبه به (انسان) حذف شده و یکی از لوازم آن که «آه کشیدن» است، ذکر شده است. اما مترجم، به این استعاره توجهی نکرده و مفهوم آن را به لهیب ترجمه کرده است.

دَاوِنِي بِصُنْعِكَ، وَ أَظِلَّنِي فِي ذَرَاكَ (دعای۲۰).

دردم را درمان کن و مرا در کنف امن جای ده (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۷).

استعاره مصرحه: «مشمول رحمت نمودن» به «زیر سایه خود بردن» تشبیه شده و سپس طرف اول تشبیه حذف شده و مشبه به باقی مانده و استعاره مصرحه پدید آمده است. اما مترجم در ترجمه این صنعت بلاغی، با کم دقتی آن را حذف کرده است. ترجمه و انتقال این صنعت بلاغی را در ترجمه فیض الاسلام می‌بینیم: «و در سایه (رحمت) خود مرا جای ده» (فیض الاسلام، ۱۳۷٦: ۱۳۹).

۳-۴- تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای

همچنانکه از عنوان مشخص است، این مبحث شامل متونی می‌شود که در آن‌ها، از اصطلاحات محاوره‌ای استفاده شده که مترجم، هنگام ترجمه، دست به تغییر و تعدیل آن‌ها می‌زند؛ روشن است که کتاب صحیفه سجادیه عاری از اصطلاحات محاوره‌ای بوده و از این جهت، این مؤلفه، در ترجمه دیده نمی‌شود.

۳-۵- حذف بن‌مایه متعهدانه

این مورد نیز در ترجمه یافت نشد.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

۳-۶- ساده انگاری و خطای مترجم

خطای مترجم ناشی از بدفهمی یا کم‌دانی او در زبان مبدأ و مقصد یا موضوع ترجمه است (متقی‌زاده، ۱۳۹٦: ۱۸۷). البته بی‌دقتی و عدم حساسیت کافی در امر ترجمه نیز مزید بر علت است. خطاهای ترجمه‌ای مترجم مذکور را می‌توان در دو دسته زیر بررسی کرد:

۳-۶-۱- خطاهای معنایی ـ لغوی

حَقِّقْ فِي رَجَاءِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي (دعای۲۰).

آرزویم را با امید به رحمت خود مقرون فرمای (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۳).

معنای واژه «حقق» به معنای «محقق ساختن» است در حالی که مترجم به صورت «مقرون فرمای» ترجمه کرده است.

لَا تَمْحَقْهُ بِالْمَنِّ (دعای۲۰).

کارهای خیر مرا با شائبه منت نهادن بر خلق خدای میامیز (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۳).

واژه «محق» به معنای «آمیختن با چیزی» نیست؛ بلکه به معنای باطل شدن، نابود شدن و از بین رفتن برکت چیزی است (ر.ک: ابن سیده، ، ج۳: ۲۷؛ ابن‌منظور، ۱۹۸۸: ج ۱۰، ۳۸؛ أحمدبن فارس، د.ت، ج۲: ۵۰۱). پس ترجمه صحیح جمله این چنین می‌شود: (کارهای خیر مرا با منت نهادن، باطل نگردان).

أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرْدِفِينَ حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطَعِ التُّرَابِ قَتْلًا فِي أَرْضِكَ وَ أَسْراً (دعای۲۷).

آن‌ها را به وسیله‌ی صفوف فرشتگانی که در نزد تواند یاری فرمای تا ایشان را تا آنجا که زمین تو هست به قتل و اسارت منهزم سازند (فولادوند، ۱۳۷۹: ۲۵۷).

«إلی منقطع التراب» عبارتی است که در ترجمه، مورد بی‌عنایتی قرار گرفته و به این شکل ترجمه شده: «تا آنجا که زمین تو هست.» این بیان چنین توهمی برای مخاطب ایجاد می‌کند که فقط بخشی از این زمین مال خداست که مترجم گفته: تا آنجا که زمین تو هست. نکته قابل توجه آن‌که، إلی انتهائیه است نه ابتدائیه. ترجمه صحیح این عبارت را در ترجمه

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

فیض الاسلام می‌بینیم: «تا دشمنان را به پایان خاک در زمین تو کشته و اسیر شده رانده و شکست دهند» (فیض الاسلام، ۱۳۷٦: ۱۸۳).

اللَّهُمَّ وَ إِنَّهُ لَا وَفَاءَ لِي بِالتَّوْبَةِ إِلَّا بِعِصْمَتِكَ (دعای۳۱).

بار خدایا! به توبه من جز به نگهبانی تو، اعتمادی نیست (فولادوند، ۱۳۷۹: ۳۱۸).

واژه «عصمة» به صورت دقیق معادل یابی نشده است؛ به بیان دیگر مفهوم دقیق این واژه «نگهبانی» نیست؛ بلکه معنا و معادل آن، «نگهداری» (ر.ک: فیومی، ۱٤۱٤: ٤۱٤؛ دهخدا، ۱۹۸۸: ۲۲۲۵۷؛ ابن منظور، ۱۹۸۸، ج ۱۲: ٤۰۵) است که اکثر مترجمان از جمله انصاریان، آیتی، بلاغی و فیض الاسلام همین معادل را انتخاب کرده‌اند. لازم به ذکر است در معنای نگهبانی، بیشتر معنای پاییدن مد نظر است اما در معنای نگهداری، معنای حفظ کردن مورد نظر است.

اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِكَ نِيَّتِي (دعای ۲۰).

ای خدا! به لطف خویش نیتم را از هر شائبه‌ای مصون دار (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۳).

فعل «وفّر» به معنای «کامل گردانیدن» است (ابن سیده، ۱٤۲۱، ج۱۰: ۳۲٤؛ مجمع اللغة العربیة، ۲۰۱۱: ۱۰۸۹) و مترجم به اشتباه، معادل نادرست «مصون دار» برای آن انتخاب کرده است و اکثر مترجمین از جمله فیض الاسلام هم در معنای «کامل گردان» ترجمه کرده است: «بار خدایا نیت مرا به لطف خود کامل گردان» (فیض الاسلام، ۱۳۷٦: ۱۲۹).

هَبْ لِي مَكْراً عَلَى مَنْ كَايَدَنِي، وَ قُدْرَةً عَلَى مَنِ اضْطَهَدَنِي، وَ تَكْذِيباً لِمَنْ قَصَبَنِي (دعای ۲۰).

در برابر کسی که با من ترفند می‌کند، مکر بیاموز، و پیش آن کس که مرا مقهور خویش خواهد، توانائی عطا فرمای و دروغ دشنام‌دهنده مرا آشکار ساز (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸٤).

در اینجا سخن از از آشکار کردن دروغ کسی نیست؛ بلکه امام سجاد (ع) از خداوند متعال می‌خواهد که هرکس او را ناسزا گوید، آن را تکذیب کند. معنای صحیح ترجمه این

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

جمله چنین خواهد بود: «و بر آنکه مرا دشنام دهد تکذیبی (انکاری)» (فیض الاسلام، ۱۳۷٦: ۱۳۲) عطا فرما.

۳-۶-۲- خطاهای دستوری (صرفی ـ نحوی)

وَجَّهَ رَغْبَتَهُ إِلَيْكَ ثِقَةً بِكَ (دعای ۳۱).

با اعتماد تمام روی دل بجانب تو کرده (فولادوند، ۱۳۷۹: ۳۱۵).

در جمله مورد نظر، کلمه ثقة، «مفعول‌له» است در حالی که به صورت حال ترجمه شده است. یعنی به خاطر اعتمادی که به تو داشته، رو به سوی تو کرده است.

لَا يُنْكِرُ يَا إِلَهِي عَدْلَكَ إِنْ عَاقَبْتَهُ (دعای ۳۱).

چنین بنده‌ای را اگر به حکم داد، کیفر دهی زبان به انکار نگشاید (فولادوند، ۱۳۷۹: ۳۱۵).

عدل که «مفعول‌به» جمله است، به صورت «به حکمِ داد» (مضاف الیه متمم) ترجمه شده و این ترجمه به گونه‌ای است که انگار جزء ارکان اصلی جمله نبوده و مترجم به عنوان توضیح بیشتر آورده؛ چرا که کلمه «به حکم..» در متن اصلی وجود ندارد و مترجم از جانب خود افزوده است.

وَ اسْتُرْنِي بِسِتْرِ عَافِيَتِكَ تَفَضُّلًا (دعای ۳۱).

و در پرده عافیت خویش در پوشان (فولادوند، ۱۳۷۹: ۳۱٦).

حرف «باء» معانی مختلفی دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، استعانت است. باء استعانت، بر ادات و وسیله فعل که واسطهٔ بین فاعل و مفعول است، قرار می‌گیرد (ابن هشام، ۱۹۷۹، ج۱: ۱۳۸). در دعای مورد نظر نیز حرف باء همین معنا را داراست؛ هم‌چنان‌که خود او در دعای دیگر، این باء را بای استعانت ترجمه کرده است: «أَيِّدْهُ بِالنُّصْرَةِ» (دعای۲۷): با پیروزی تاییدش فرما). ترجمه دقیق دعای جمله مورد نظر نیز، بدین شکل است: «و به فضل و بخشش، با پرده عافیت مرا بپوشان» (فیض الاسلام، ۱۳۷٦: ۲۱۱).

أَجْرِ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِيَ الْخَيْرَ (دعای ۲۰).

درباره مردم بر دست من کارهای نیک روان ساز (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۳).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

ترجمه صحیح و روان این قسمت از دعا به صورت زیر است: بـه دسـت مـن، کارهـای نیک را بر مردم روان ساز.

خطایی که در این قسمت از ترجمه ملاحظه می‌شود، ناشی از ترجمـه نادرسـت حـرف «لِ» و «علی» است. حرف لام به صورت «درباره..» ترجمه شده و حرف «علی» بـه صـورت «بر» (به صورت کاملا تحت اللفظی) ترجمه شده است.

در حالی که در این جمله، لام معنای تملیک دارد؛ به بیان دیگر «لام در اینجا دلالت مـی-کند که فاعل فعل قبل، شیئی‌ای را به مجرور تملیک کرده و به او داده است» (صـفایی، ۱۳۸۷، ج۳: ۱۳) و حرف «علی» «از طریق توسیع معنایی استعاری، معنای ثانویه «وظیفه و بـر عهـده» را کدگذاری می‌کند» (توکل‌نیا و همکـاران، ۱۳۹۷: ۲۱۲)؛ بـه بیـان دیگـر، «علـی» در اینجـا بـه معنای «به دست من» است نه «بر دست من».

وَارْفَعْنِي عَنْ مَصَارِعِ الذُّنُوبِ كَمَا وَضَعْتُ لَكَ نَفْسِي (دعای ۳۱).

و مرا از زور آزمایی با گناهان و پنجه در افکندن بـا آن فاتحانـه برگیـر (فولادونـد، ۱۳۷۹: ۳۲۰).

«مصارع» جمع مصرع اسم مکان است وبه معنای «لغزشگاه‌ها» است. و دلیـل قـوت ایـن سخن معنای فعل «ارفعنی» است که بلند کردن از مکان معنی دارد در حالی که متـرجم آن را مصدر میمی ترجمه کرده است.

أَحْصَى مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ، وَ فَكَّرَ فِيما خَالَفَ بِـهِ رَبَّـهُ، فَـرَأَى كَبِيـرَ عِصْـيَانِهِ كَبِيـراً وَ جَلِيـلَ مُخَالَفَتِهِ جَلِيلًا (دعای ۳۱).

در آن اموری که بر نفس خویش ستم کرده و در مواردی که با پروردگارش بـه مخالفـت برخاسته، اندیشه کند (فولادوند، ۱۳۷۹: ۳۲۰).

در این قسمت از ترجمه، ترجمه فعل «أحصی» صورت نگرفته و مترجم به مفهـوم فعـل جمله دوم بسنده کرده است. واین بسندگی سبب شده که علاوه بر حذف معنای فعل، نقـش نحوی کلمه (ما) که مفعول به است، نادیده گرفته شود و به صورت متمم ترجمه شود.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

لِيَكُونَ دِينُكَ الْأَعْلَى وَحِزْبُكَ الْأَقْوَى وَحَظُّكَ الْأَوْفَى فَلَقِّهِ الْيُسْرَ، وَهَيِّئْ لَهُ الْأَمْرَ، وَ تَوَلَّهُ بِالنُّجْحِ (دعای۲۷).

تا دین تو را برتر سازد، و حزب تو را نیرومندتر گرداند، پس موجبات تسهیل کارش را فراهم آر و رستگاری او را سرپرستی فرما و یاران نیکو برای وی برگزین (فولادوند، ۱۳۷۹: ۲۵۰).

در فراز مورد نظر از دعای بیست وهفتم صحیفه، «لیکون» از افعال ناقصه است و معنای شدن می‌دهد و «دین» اسم آن و «اعلی» خبر آن است. و ترجمه آن به این شکل است: «تا دین تو، برتر و حزب تو قوی‌تر شود»، در حالی که مترجم این جمله را به صورت فعل تام و سببی «گرداند.» ترجمه کرده است. شایان ذکر است دو جمله «وَحَظُّکَ الْأَوْفَی»، وَ «هَیِّئْ لَهُ الْأَمْرَ» در ترجمه حذف شده است.

لَوِّحْ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ مَسَاكِنِ الْخُلْدِ (دعای۲۷).

آنچه را که در آنجا از جایگاه‌های جاویدانی... در برابر دیدگان‌شان نگارین جلوه دهد (فولادوند، ۱۳۷۹: ۲۵۰).

لوّح فعل امر مخاطب است، در حالی که به صورت سوم شخص التزامی ترجمه شده است.

شَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ وَ نَكِّلْ بِهِمْ مَنْ وَرَاءَهُمْ، وَ اقْطَعْ بِخِزْيِهِمْ أَطْمَاعَ مَنْ بَعْدَهُمْ (دعای ۲۷).

با پراکنده ساختن پیش تازان آن‌ها از پی آیندگان ایشان را مرعوب ساز و در هم شکن، تا از حمله قطع امید کنند و روی برتابند (فولادوند، ۱۳۷۹: ۲۵٦).

در دعای مورد نظر، «اقطع» فعل امر مخاطب است و «اطماع» مفعول به آن؛ در حالی که این فعل به صورت ماضی و به صورت سوم شخص ترجمه شده و قطع امید کردن به خود این افراد نسبت داده شده است و این جمله یک جمله مستقل است در حالی که به صورت التزامی ترجمه شده است. «خزیهم» هم در ترجمه نیامده است.

مَتِّعْنِي بِهُدًى صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ، وَ طَرِيقَةِ حَقٍّ لَا أَزِيغُ عَنْهَا (دعای ۲۰).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

مرا به راه شایسته‌ی هدایت ره نما و چنان فرما که راهت باژگونه نکنم و طریق حق را پیش پای من گشوده فرمای و چنان کن که گرایش به راه باطل پیدا نکنم (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۷).

جمله «لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ» که بعد از جمله اول قرار گرفته، در نقش جمله وصفیه آمده است. منتها مترجم به دلیل ساده انگاری و عدم حساسیت علمی بالا به امر ترجمه، آن را تبدیل به جمله معطوف کرده است. این خطا، سبب افزودن کلمات بیش‌تر و اطناب در ترجمه نیز شده است. جمله بعدی نیز دارای همین خطاست.

ترجمه صحیح این نمونه، چنین می‌شود: (مرا به هدایت شایسته‌ای رهنمون فرما که برای آن جایگزینی نگیرم).

۴- بررسی آماری کاهش ترجمه فولادوند

براساس بررسی‌هایی که در ترجمه فولادوند از صحیفه سجادیه به عمل آمد، بسامد آماری زیر به دست آمد؛ در این بررسی که پنج دعای شریف ۳، ۲۰، ۲۷، ۳۱ و۴۹، به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، تک تک کلمات و عبارات با دقت بالا مورد بررسی قرار گرفتند.

جدول ۱ـ بسامد مؤلفه‌های کاهش در ترجمه فولادوند

حذف	تعداد	**قبض (کاهش)**	تعداد	**تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای**	تعداد	**حذف بنمایه متعدانه**	تعداد	**خطای مترجم**	تعداد
حذف یک واژه	۲۲	حذف به قرینه لفظی	٦	تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای	۰	حذف بن‌مایه متعدانه	۰	خطای معنایی	۱۲
حذف چندین واژه	۵	تغییر مجهول به معلوم	۳					خطای دستوری	۲۲

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

حذف جمله	۱۳	اسمی شدگی	۷						
حذف چندین جمله	٤	تبدیل جمع به مفرد	۸						
		تغییر در صنایع بلاغی	۸						
		کاهش	۹						

همچنانکه در جدل ملاحظه می‌شود، در این ترجمه شاهد انواع حذف هستیم که بیشترین مقدار آن را در حذف واژه و جمله می‌بینیم. در قسمت کاهش نیز، انواعد مؤلفه‌های کاهش با مقادیر نزدیک به هم دیده می‌شود. در قسمت تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای و حذف بن‌مایه، موردی یافت نشد و خطای مترجم، هم در بخش معنایی و هم بخش دستوری دیده می‌شود که بالاترین بسامد در بخش دستوری قابل ملاحظه است.

نمودار زیر نیز، بیانگر بسامد هر کدام از مؤلفه‌های کاهش در ترجمه مذکور است؛ بالاترین بسامد مربوط به حذف واژه و خطای دستوری است.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

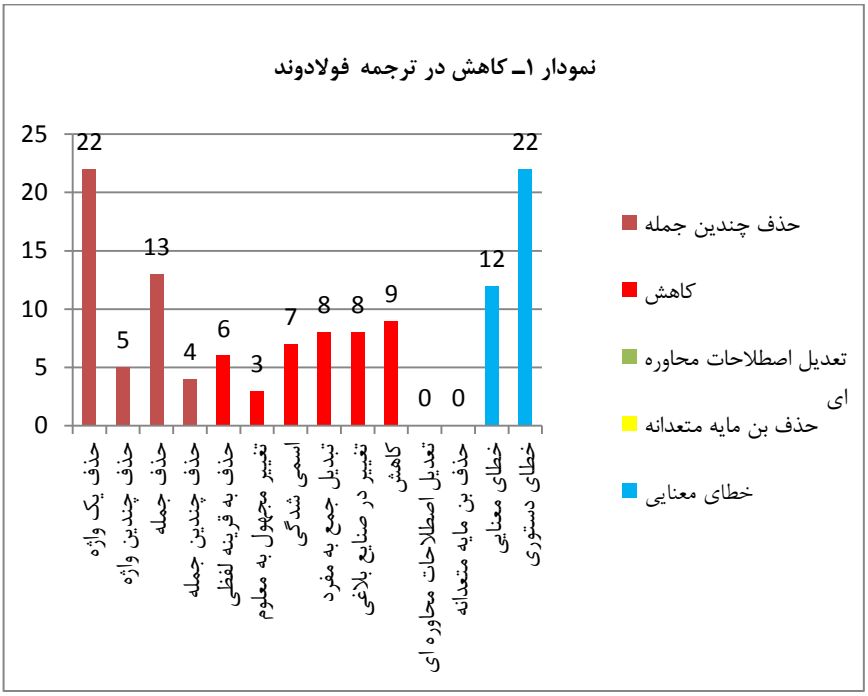

۵- نتیجه‌گیری

براساس نظریه گارسس، کاهش که جزء مؤلفه‌های منفی ترجمه است، شامل: کاهش (قبض)، حذف، حذف بن‌مایه متعهدانه، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای، حذف قسمتی از متن یا پاراگراف، تغییر در صنایع بلاغی، تغییر، ساده انگاری و خطای مترجم می‌شود؛ با کاربست این نظریه در ترجمه صحیفه سجادیه توسط محمد مهدی فولادوند، نتایج زیر حاصل شد:

۱- در ترجمه فولادوند، شاهد انواع حذف هستیم؛ این حذفیات شامل حذف یک واژه یا یک عبارت، حذف چند واژه یا چندین عبارت، حذف بی‌رویه عبارت‌ها و حذف جمله و حذف بی‌رویه چندین جمله است.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

۲- قبض یا کاهش که به مفهوم به کار بردن یک واژه در زبان مقصد به جـای چنـد واژه متن مبدأ است، شامل حذف فعل‌ها به قرینه لفظی، تبدیل مجهول به معلـوم، اسـمی‌شـدگی، ترجمه جمع به صورت مفرد است و در دعاهای مورد بررسی، هرکدام چندین نمونه دارد.

۳- تغییر در صنایع بلاغی از عیوب کاهشی دیگری است که در ترجمـه فولادونـد دیـده می‌شود که گاهی مترجم به جای ترجمه دقیق، آن را از متن مقصد حذف کرده و یـا دسـت به تغییر آن زده است.

٤- خطاهای ترجمه‌ای مترجم مـذکور، در دو دسـته: ۱. خطاهـای معنـایی- لغـوی و ۲. خطاهای دستوری (صرفی- نحوی) بررسی شد. خطاهای معنایی- لغوی شامل عـدم معـادل یابی صحیح واژگان و عدم انتقال دقیق و صحیح معنا بود و خطاهای دسـتوری شـامل خطـا در ترجمه، مفعول له، ترجمه نادرست حروف اضافه، اسم مکان، مفعول، فعل ناقصـه و اسـم و خبر آن، فعل امر، جملات وصفیه و... است.

۵- عنصر «تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای» و حذف بن‌مایه متعهدانه در این ترجمه دیـده نشد.

٦- نتایج بررسی‌ها نشان داد که در این ترجمه انواع حـذف وجـود دارد کـه بـیش‌تـرین تعداد آن را حذف واژه و جمله تشکیل می‌دهد. در قسمت کاهش نیـز، انواعـد مؤلفـه‌هـای کاهش با بسامد نزدیک به هم دیده می‌شـود. در قسـمت تعـدیل اصـطلاحات محـاوره‌ای و حذف بن‌مایه، موردی یافت نشـد و خطـای متـرجم، هـم در بخـش معنـایی و هـم بخـش دستوری یافت شد کـه بـالاترین بسـامد مربـوط بـه بخـش دسـتوری اسـت. و در بررسـی نموداری، بالاترین بسامد مربوط به حذف واژه و خطای دستوری است.

۶-پی‌نوشت

1. Ms. Carmen Valero Garces
2. Catford
3. Vinay & Darbelnet
4. Eugene Nida
5. Peter Newmark

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

6. Delicel
7. Semantic - lexical level
8. syntactic - Morphological level
9. Discursive-functional
10. cognitive (practical) style
11. Addition
12. Conservation
13. Suppression
14. Expansion
15. Transposition
16. Modulation
17. Elaboration
18. Cultural Equivalent
19. Adaptation
20. Ambiguity
21. loan translation
22. Literal Translation
23. Compensation
24. Contraction
25. Omission
26. Omission the committed motif
27. modifying colloquial terms
28. Translator mistake
29. modification in rhetorical analysis

۷- منابع

۱- آذرشب محمدعلی، ملکی معصومه، اسدالهی لیلا، «تطبیق و ارزیابی ترجمه‌های قرآن‌کریم فولادوند و الهی‌قمشه‌ای بر اساس الگوی گارسس (مطالعه موردی: سوره مبارکه قمر)»، *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ٦ (١٢)، صص ٢٦٠-٢٢٥، (١٣٩٨ش).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

۲- أحمد بن فارس، معجم *مقاییس اللغة*، المجلد۲، بیروت: دارالکتب العلمیة، (د.ت).

۳- ابن سیده، *المحکم والمحیط الأعظم*، تحقیق: عبدالحمید هنداوی، الطبعة الأولی، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۱٤۲۱هـ).

٤- ابن منظور، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربي، (۱۹۸۸م).

٥- ابن هشام أنصاری، جمال الدین، *مغنی اللبیب عن کتب الأعاریب*. ط٥. بیروت: مکتبة بنی هاشمی، (۱۹۷۹م).

٦- توکل‌نیا، مریم و ولی الله حسومی، «بررسی شبکه معنایی حرف جر علی در قرآن با رویکرد شناختی»، *آموزه‌های قرآنی*، شماره ۲۸، پاییز و زمستان، صص۲۲۸-۲۰۳، (۱۳۹۷ش).

۷-دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، چاپ دوم، ناشر: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، (۱۹۸۸م).

۸-رحیمی خویگانی، محمد، «نقد واژگانی ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم (با تکیه بر سطح معنایی- لغوی گارسس)»، *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*. دوره٤، شماره هفتم، صص ۹٤-٦۹، (۱۳۹٦ش).

۹- رشیدی، ناصر، شهین، فرزانه، «ارزیابی ومقایسه‌ی دو ترجمه فارسی از رمان دن کیشوت اثر میگوئل دوسروانتش بر اساس الگوی گارسس»، *فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی*، دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سال ٥، شماره ۱٥، صص ٤۱-٥٦، (۱۳۹۲ش).

۱۰- زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاوس*، المحقّق: عبدالکریم الغرباوي، الکویت: التراث العربي، (۱۹۷۲م).

۱۱- زرکوب، منصوره و عاطفه صدیقی، «تعدیل و تغییر در ترجمه، چالش‌ها و راهکارها، با تکیه بر ترجمۀ کتاب التّرجمۀ و أدواتها»، *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، دوره ۳، شماره ۸، صفحه ۳٥-٥٤ (۱۳۹۲ش).

۱۲- سلطانی رنانی، سید مهدی، «نقد ترجمه استاد فولادوند»، *پژوهش‌های قرآنی*، شماره ٤٤، ویژه نامه ترجمه قرآن، (۱۳۸٤ش).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]

۱۳- سلطانی، محمد علی، «تأملی در یک ترجمه از صحیفه سجادیه»، *آیینه پژوهش*، شماره ٤٩، صص، ٢٤-١٩، (١٣٧٧ش)

١٤- صفایی، غلامعلی، *ترجمه و شرح مغنی الأدیب*، چاپ هشتم، قم: قدس، (١٣٨٧ش).

١٥- صیادانی، علی و همکاران، «نقد و بررسی ترجمه فارسی رمان «قلب اللیل» با عنوان «دل شب» بر اساس الگوی گارسس»، *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، سال ٧، شماره ١٦، صص ١١٨-٨٧، (١٣٩٦ش).

١٦- فراهيدي، خليل بن أحمد، *كتاب العين*، التحقيق: عبدالحميد الهنداوي، الطبعة الأولى، بيروت: دارالكتب العلمية، (٢٠٠٣م).

١٧- فرهادی، پروین، «*بررسی، نقد و ارزیابی ترجمه متون عربی (مطالعه موردی: نقد و ارزیابی آثار ترجمه شده غسان کنفانی در سه بخش قصص، روایات و مسرحیات*»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، (١٣٩٢ش).

١٨- فولادوند، محمد مهدی، پیشوای چهره برخاک سایندگان (صحیفه سجادیّه)، ترجمه، چاپ اول، تهران: سوره مهر، (١٣٧٩ش).

١٩- فیض الاسلام، علی نقی، *ترجمه صحیفه سجادیه*، چاپ دوم، تهران: فقیه، (١٣٧٦ش).

٢٠-فيومي، احمد بن محمد، *المصباح المنير*، قم، دار الهجرة، (١٤١٤ق).

٢١- لطفی پور ساعدی، کاظم، *درآمدی به اصول و روش ترجمه*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، (١٣٨٩ش).

٢٢- متقی‌زاده، عیسی و نقی زاده، سید علاء، «ارزیابی ترجمهٔ متون ادبی فارسی به عربی بر اساس مدل کارمن گارسس (پیام رهبر انقلاب به مناسبت موسم حج ١٣٩٥ برای نمونه)»، *پژوهش-های ترجمه در زبان وادبیات عربی*، سال ٧، شماره ١٦، صص ١٩٣-١٦٩، (١٣٩٦ش).

٢٣- مجمع اللغة العربية، *المعجم الوسيط*، ط٥، مصر: مكتبة الشروق الدولية، (٢٠١١م).

٢٤- مختاری اردکانی، محمدعلی، «*استعاره ترجمه (مجموعه مقالات در مورد ترجمه)*»، کرمان: نشر دانشگاه شهید باهنر کرمان، (١٣٨٦ش).

٢٥- نصیری، حافظ، *روش ارزیابی و سنجش کیفی متون ترجمه شده از عربی به فارسی*، تهران: سمت، (١٣٩٠ ش).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.14.10.3]